

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسندگان RIMBERT & HALIMI \*

برگردان: شهباز نخعی

فرستنده: علی مشرف

۱۱ فبروری ۲۰۲۴

## چگونه با آغاز جنگ غزه، جنون رسانه‌ی رخ داد؟ نمونه‌ی فرانسه



زلزله‌ی در حال تکوین است که بیشتر در جاهائی دیگر در اروپا رخ داده بود. با این حال، ریشخند روزگار باعث شد که این چرخش اقتدارگرایانه تحت هدایت مشترک یک تشکل روزنامه‌نگاری – که خود را نگهبان آزادی‌های دموکراتیک می‌خواند – و دولتی که برای ایجاد سد در برابر راست افراطی انتخاب شده انجام شود. هردوی اینها عملکرد خود را برای حمایت از "جناح راست اسرائیل در دفاع از خود" توجیه می‌کنند

\*\*\*\*\*

از ۷ اکتوبر گذشته، رسانه‌های بزرگ فرانسه می‌کوشند خود را با مدارهای قدرت تطبیق دهند. حمایت بی‌قید و شرط آنها از اسرائیل همراه با تهمت و افترا زدن به نظرهای مخالف، زیر سؤال بردن آزادی‌های عمومی و تعقیب و آزار مهاجران است. این جنگ ایدئولوژیک تا کجا پیش خواهد رفت؟ در خدمت که خواهد بود؟

همزمان با شتاب در گردشی سیاسی، جنون رسانه‌ئی نیز رخ داد: دو هفته پس از گذشتار انجام شده توسط حماس در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، رسانه‌های اصلی و دولت فرانسه جسارتی دوجندان یافتند. جسارت کنار گذاشتن "فرانسه تسلیم ناپذیر" (LFI) از "طیف جمهوریت" به خاطر این که از بستن چشم هایش بر انتقام نظامی دولت اسرائیل در غزه خودداری می‌کرد و همزمان با آن نزدیکی و گنجاندن "گردهمائی ملی" (RN) در همین "طیف جمهوریت". حزبی تأسیس شده در سال ۱۹۷۲ توسط آقای ژان-ماری لوپن که پیش از این از همه رهبران سیاسی دعوت می‌شد که "سد"ی در برابر آن ایجاد کنند، و ناگهان زمانی که خود را با مواضع دولت بنیامین نتانیاهو تطبیق داد، پذیرفته و تطهیر شد. در شبکه CNews—Europe 1، سونیا میروک، حتی از خانم مارین لوپن تجلیل کرد و او را "دژ، مدافع و سپری برای یهودیان فرانسه" خواند (۱۰ اکتوبر ۲۰۲۳) و روزنامه فیگارو (۵-۶ نومبر ۲۰۲۳) و شبکه BFM TV (۱۲ دسمبر ۲۰۲۳) تصویری مطلوب از آقای ژوردن باردلار (رهبر حزب لوپن) ترسیم و اعلام کردند که "۴۶ درصد از فرانسوی‌ها از نخست‌وزیری او استقبال می‌کنند". در همان زمان، مطبوعات "مترقی" با واژه هائی ویرانگر از آقای ژان-لوک ملانشون نام می‌بردند که پیشتر برای توصیف آقای لوپن استفاده می‌شد: او "خندق لغزش‌های گنبدیده" (اوبز. ۱۲ اکتوبر ۲۰۲۳) و "نمونه بارز یهود ستیزی" (مدیپارت، ۱۰ نومبر ۲۰۲۳) است. عنوان یک مقاله طولانی لوموند (۴ جنوری ۲۰۲۴)، "یهود ستیزی، ژان-لوک ملانشون چگونه بذر ابهام می‌کارد" بود، بدون آن که به کمترین گفته ضد یهودی او استناد نماید. در مدت ۳ ماه، این روزنامه ۶ مقاله و چندین مطلب تحریریه را با قصد قتل نمادین رهبر "فرانسه تسلیم ناپذیر" (LFI) منتشر کرد.

نیکولاس بیوت در روزنامه کارفرمائی آپینیون (۱۲ اکتوبر ۲۰۲۳) مقاله‌ای با عنوان "ابلیس اردوگاه خود را تغییر داده" نوشت: "حمله حماس برگ‌های بازی را به هم زده است. ابراز نفرت نسبت به "تسلیم ناپذیر" ها آسانتر و مبارزه با "گردهمائی ملی" دشوارتر شده است". در رسانه‌ها، طیف جمهوری خواهان با طیف هواداران اسرائیل در هم آمیخته شده‌اند. در ۱۲ دسمبر، بریس کورتیه، روزنامه نگار فرانس کولتور حتی در یک تونیت "آرزوی ناگفتنی" بخش فزاینده‌ای از نخبگان فرانسوی را افشاء کرد: "از آنجا که "گردهمائی ملی" (RN) "فرصت رشد یافته (و همه نظرسنجی‌ها این را نشان می‌دهد)، چرا این کار در چهارچوب یک همزیستی صورت نگیرد؟ [احلال مجلس]. [بدین ترتیب] ماکرون در کاخ الیزه زمام سیاست خارجی را در دست نگه می‌دارد (قطع رابطه‌ای با اتحادیه اروپا و ناتو رخ نمی‌دهد) و در زمان مناسب در سال ۲۰۲۶ مجلس منحل شود".

تا همین ده سال پیش تصور ناپذیر بود که گرایشی چنین سریع به راست افراطی در سپهر سیاسی فرانسه به وجود آید. گرایشی که همراه با محدودیت هائی در آزادی بیان، عقاید، و تظاهرات باشد. رسانه‌ها با هماهنگی وزیر کشور، بر اساس باور یا جمود فکری، تظاهرات عادی حمایت از فلسطینی‌ها را به یهود ستیزی - که ممنوع است- نسبت می‌دهند. برنارد هانری لوی هم در لو پوئن (۹ نومبر) آن را "تظاهرات حمایت از تروریسم" می‌نامد. داریوس روشین، روزنامه نگار ستایشگر او نیز در تلویزیون LCI پیشنهاد می‌کند که "اسلام‌گراها توسط دولت بازداشت شوند" (۱۵ اکتوبر ۲۰۲۳). "قانون مهاجرت" تصویب شده توسط اکثریت طرفدار ریاست جمهوری در مجلس در ۱۹ دسمبر به همراه جناح راست و "گردهمائی ملی"، این یورش به آزادی‌ها را تکمیل می‌کند: متن این قانون که "ترجیح‌های ملی" را نهادینه نموده و عرصه را بر خارجی‌ها تنگ‌تر می‌کند، به عنوان سپری علیه "تجاوز به منافع اساسی حکومت" و "فعالیت‌های دارای ماهیت تروریستی" و تحریک به خشونت، توسط وزارت کشور تدوین شده است و هدف آن مسلمانان "اسلام‌گرائی" است که می‌کوشند یک گذشتار ضد یهودی به راه اندازند.

زلزله ای در حال تکوین است که بیشتر در جاهائی دیگر در اروپا رخ داده بود. با این حال، ریشخند روزگار باعث شد که این چرخش اقتدارگرایانه تحت هدایت مشترک یک تشکل روزنامه نگاری – که خود را نگهبان آزادی های دموکراتیک می خواند – و دولتی که برای ایجاد سد در برابر راست افراطی انتخاب شده انجام شود. هر دوی اینها عملکرد خود را برای حمایت از "جناح راست اسرائیل در دفاع از خود" توجیه می کنند. این کار در زمانی انجام می شود که حکومت اسرائیل به طور مکرر مرتکب جنایات جنگی با این امید می شود که بتواند یک ملت را تبعید یا از سرزمین آنها اخراج کند و با این کار مانع از آن شود که این ملت یک روز بتواند حاکم بر سرزمین خود باشد. گستردگی کشتارهای انجام شده در غزه و واکنش های سرزنش آمیزی که در سطح بین المللی ایجاد می کند، باعث بی اعتباری روزنامه نگاری غربی می شود و جانبداری مسخره آن احتمالاً برخی از کنشگران را به این امیدوار می کند که این انحراف و خسارت های ناشی از آن روزی فراموش شود. این دلیلی اضافی برای پرداختن به جزئیات دو جنگ اطلاعاتی است که از ۷ اکتوبر آغاز شده است. از یک سو بمباران رسانه ئی در مورد کشتارهای حماس، که بارها به عنوان اوج یک رویداد وحشتناک تاریخی توصیف گردید و از سوی دیگر پوشش در حدی محدودتر و با کلامی ملایم تر، جنگ کاملی که اسرائیل علیه فلسطینی ها به راه انداخته است. در مدت چند هفته، فرانسه یک روزنامه نگاری قطب بندی شده را تجربه کرد که به همان اندازه که از بحث حول نظرهای مختلف دوری می جوید، از آزادی بیان هم نفرت دارد.

### "نبرد دموکراتیک"

رسانه ئی سازی جنگ اسرائیل- فلسطین ۳ جنبه ساختاری دارد: در درجه اول، محور زمانی آن است که نقطه صفر آن کشتن همیشگی اسرائیلی ها – در این مورد خاص، در ۷ اکتوبر – است و هرگز به زمان هائی قبل و کشتن ساکنان ساحل غربی رود اردن یا غزه اشاره نمی گردد. این درحالی است که در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و نیز در طول ۹ ماه سال ۲۰۲۳، ارتش اشغالگر اسرائیل به ترتیب ۳۴۹، ۲۹۱ و ۲۲۷ فلسطینی را کشته، بدون آن که این جنایات و واکنش تحریریه های همین رسانه ها را برانگیزد. اکریمد (Acrimed)[انجمن فرانسوی انتقاد از رسانه ها] در ۲۳ اکتوبر افشاء کرد که از اول جنوری تا اول اکتوبر ۲۰۲۳ "در اخبار ساعت ۲۰ فرانس ۲، تنها ۱۰ بار به موضوع جنگ پرداخته شده و در این ۹ ماه، مدت زمانی که به فلسطینی ها داده شده فقط ۳۳ ثانیه بوده است".

سازماندهی این چنینی رویدادها خود به خود پرسش چرائی آنچه که در ۷ اکتوبر رخ داد را در پرده نگاه می دارد: نقشی که کنشگران (تروریست های حماس، قربانیان اسرائیلی و انتقامجویان ارتش اسرائیل) داشتند و سرانجام چگونگی رخداد وقایع که در پاسخ فاجعه (از ۷ تا ۲۶ اکتوبر) " اسرائیل از حق دفاع از خود" (۲۷ اکتوبر تا ۱۰ دسمبر) استفاده کرد. این دو بخش اساسی رسانه ئی سازی است که به زیان بخش سوم عمل می کند، یعنی توجه بین المللی به جنگی که به طور بالقوه توان نسل کشی (از آغاز ماه دسمبر) را دارد. این بخش به طور محسوس نسبت به بخش اول پوشش کمتری یافته است (۱). اهمیت این بُعد زمانی براحتهی قابل درک است: اگر رویداد رسانه ئی حول محور جنایات عادی انجام شده توسط اسرائیل در سرزمین های اشغالی یا تحریم مرگبار غزه سامان می یافت، "حق فلسطینی ها در دفاع از خود" هم می توانست مشروعیت داشته باشد.

شاید هم نه... زیرا نگاه روزنامه نگارانه به درگیری اسرائیل- فلسطین متوجه محور دوم است: یعنی گرایش به غرب. تحریریه های رسانه ها که با تطبیق خویش با دیپلوماسی فرانسه و اروپا هرچه بیشتر آتلانتیک گرا هستند، تل- ابیب را متحدی می بینند که با جهان بینی، دشمنان و باورهای مشترک درباره تعلق به یک تمدن برتر، یعنی جوامع لیبرال،

همراهی دارد. لورنس فراری، روزنامه نگار در یک پرسش و پاسخ با میشل اونفری (پاری ماچ، ۴ جنوری ۲۰۲۴) تأکید می کند که آنچه در خاور نزدیک جریان دارد، "نبرد دموکراسی های غربی با اسلام گراهای بنیادگرا" است. به همین ترتیب، هنگامی که آقای دومینیک دو ویلین، از آپولین مالرب، مجری برنامه تلویزیون BFM TV (۲۷ اکتوبر ۲۰۲۳) پرسش می کند "آیا چون در یک سو ارباب صورت گرفته، باید در سوی دیگر هم انجام شود؟"، این پاسخ را دریافت می نماید: "اما، شما مثل کدام بخش از بشریت فکر می کنید؟"، غرب روشن بین یا "جنوب" پر جمعیتی که در "خیابان" های آن تروریست ها در میان مردم وول می خورند. فیلیپ وال، مدیر پیشین شارلی ابدو که اکنون خبرنگار Europe 1، رادیوی راست افراطی آقای ونسان بولوره است (۹ اکتوبر ۲۰۲۳) به این سؤال چنین پاسخ می دهد: "من اسرائیل را دوست دارم، زیرا در آن روح اروپائی جریان دارد".

چنان که یک سال و نیم پیش در مورد کی یف هم صادق بود، رسانه ها بدون بررسی و راستی آزمائی بیشتر، روایت های دولت و ارتش اسرائیل را تکرار می کنند، که نمایندگان آن غالباً زبان انگلیسی را بخوبی صحبت می کنند و قواعد روزنامه نگاری و هدف گیری مخاطبان را می شناسند. از سوی دیگر، هرگونه اطلاعات منتشر شده از سوی حماس از جمله شمار قربانیان، با تردید روبه رو می شود. و رای، تعداد زیادی "خبرهای جعلی" که ارتش اسرائیل پخش می کند (۴۰ نوزاد مثله شده، ۲۰ کودک سوخته و به قتل رسیده، نوزاد در تنور انداخته شده، زن باردار سلاخی شده و شکم دریده، قرار داشتن ستاد عملیات حماس در زیر بیمارستان الشفا و غیره) که تکذیب دیر هنگام آن اثر چندانی در برابر پخش خبر حساسیت برانگیز اولیه ندارد، رسانه های فرانسوی بازم روایت اسرائیل را بازتاب می دهند: ارتش "تنها دموکراسی خاور نزدیک" مأموریت دارد که یک هیولای غیرانسانی فرورفته در قالب مردم غزه را نابود سازد. بنابراین، مسؤولیت اصلی همه قربانیان این جنگ به عهده حماس است.

مانند بیشتر موارد در چنین شرایطی، این نوع تبلیغات، تحلیل گری بهتر از برنارد هانری لوی ندارد. او در ۲۹ اکتوبر ۲۰۲۳ در BFM-RMC می گوید: "اسرائیل مقید به رعایت حقوق بشر است. آنچه که در توان دارد انجام می دهد تا تعداد قربانیان غیرنظامی به حد اقل برسد. اسرائیل با پخش اعلامیه، تلفون، ارسال انواع پیام به اهالی غزه می گوید: "نمانید! گروگان تبهکارانی که ۱۵ سال است بر ذهن شما حکم می رانند نشوید. بروید، فرار کنید". بنابراین، رعایت حقوق بشر همان قدر در ذهن و قلب اسرائیلی ها وجود دارد که در ذهن و قلب اهالی نیویورک، پاریس یا برلین". خلاصه، چنان که نتانیاهاو در ۳۱ دسمبر تصریح کرد، جنگ اسرائیل "جنگی با رعایت کامل قواعد اخلاقی است".

در طول روزها، این روایت جاری بر زبان همه شبکه های خبری، تعداد قربانیان فلسطینی را کمتر نشان می دهد و با عنوان کردن پاسخ مشروع برای چیزی که ظاهراً شبیه قصد انجام پاکسازی قومی است، بنژان دو هامل در ۱۳ اکتوبر ۲۰۲۳ در BFM-RMC سؤال می کند: "همه کسانی که ما را نگاه و گوش می کنند بخوبی درک می نمایند که حماس از مردم غیرنظامی می خواهد که از جای خود تکان نخورند تا بعد از آنها به صورت سپر انسانی استفاده نموده و درباره آن به نوعی تبلیغات کند، درحالی که ارتش اسرائیل هشدار و دستور تخلیه می دهد. آیا... هدف از این تبلیغات تروریستی نیست؟". میهمان او، ژرژ مارلبرونو، روزنامه نگار که در برابر این ارائه "روشنگرانه" و "عینی" مبهوت مانده، پاسخ می دهد: "آری... کم و بیش و تقریباً همین طور است".

دو روز بعد، دو هامل یک نماینده "فرانسه تسلیم ناپذیر" را که با احتیاط ایده آتش بس را مطرح کرده سرزنش می کند: "آتش بس با حماس؟ حماس یک جنبش تروریستی است! آیا این به معنای آن است که شما می گوئید اسرائیل با حماس مذاکره کند؟" و سپس ادامه می دهد: "در آنچه شما می گوئید چیزی هست که ذهن مرا مشغول می کند. آیا در نهایت

شما از جمله کسانی هستید که به ویژه در "فرانسه تسلیم ناپذیر" سوء قصد های تروریستی ۷ اکتوبر و پاسخ اسرائیل به آن را معادل هم می دانند؟".

در فرانس انتر هم همین صدا ها به گوش می رسد، ولی گذشتن یک ماه و وجود ۱۲ هزار کشته تا ۱۶ نومبر موجب می شود که پی پر سررفت، کارشناس این رادیوی دولتی رفتار اسرائیل را چنین توجیه کند که: "اگر اسرائیل بخواهد به هدف های خود دست یابد، باید تعداد بیشتری از غیرنظامی ها را بکشد چون حماس در پشت غیرنظامی ها پنهان می شود. من نمی دانم که ارتش یک حکومت دموکراتیک، دیگر چگونه می تواند بهتر عمل کند" و با تأکید ادامه می دهد: "دادن اخطار به مردم، ایجاد راهروهای انسان دوستانه و درپیش گرفتن تدابیر احتیاطی، کارهایی است که ارتش اسرائیل برای دستیابی به هدف های جنگی خود انجام می دهد". به نظر او، حماس کاملاً به عکس، درصدد "ایجاد وضعیتی فاجعه بار در نوار غزه است". با این همه، این رادیو Europe 1 است که مقام (بسیار مورد رقابت) سخنگوی آقای نتانیا هو بودن را در میان رادیو ها به خود اختصاص می دهد. تا جایی که گاهی چهره بت خود را از شرم سرخ می کند. ژرژ بنسوسان، تاریخ دان بر روی آنتن این رسانه، بدون آن که حرفش توسط سونیا مبروک، مجری، به زیر سوال برده شود، تأکید می کند که سربازان اسرائیلی با خود "زندگی، بقاء و مواد پزشکی آورده اند"- (Europe 1) (۱۶ نومبر ۲۰۲۳).

از آنجا که این ارتش نیکخواه به ما غربی ها شباهت دارد، روزنامه نگاران فرانسوی یکی از هموطنان خود را که به ارتش اسرائیل پیوسته، همراهی می کنند. در ۱۰ اکتوبر ۲۰۲۳، در برنامه صبحگاهی فرانس انتر، سونیا دوبه، مجری، از یووال، دانشجویی که فرانسه را ترک کرده تا در اسرائیل به جنگ علیه حماس بپیوندد تجلیل می کند، کسی که به نظر نمی رسد تفاوتی بین حماس و مردم غیرنظامی غزه قائل باشد. روزنامه نگار به عنوان وداع با سربازی که خود را برای اشغال سرزمین فلسطین آماده می کند می گوید: "خداحافظ یووال، سفر به خیر". جودیت وینتروب همکارش نیز از سرباز دیگری در مجله فیگارو تجلیل می کند (۲۴ نومبر ۲۰۲۳): ژولین بهلول "متولد فرانسه که برای گریز از یهود ستیزی از کشور رفته است و پس از ۵ سال در شبکه i24News، لباس نیروی ذخیره خود را می پوشد و به عنوان سخنگوی ارتش اسرائیل خدمت می کند".

### درام های فردی و آماری

اگر ایده برخورد انتقادی با این فرانسوی هائی که برای جنگ غزه کشور را ترک کرده اند، خود را بر تحریریه های رسانه ها، اعم از دولتی یا خصوصی تحمیل نمی کند، به این دلیل است که تعصب غرب گرایانه آنها سلسله مراتبی را بین دو طرف قائل است: از یک سو دموکراسی هائی قرار دارد که مورد تهدید اسلام گرانی است که متحد شیاطین بزرگ دوران (روسیه، چین) می باشد و از سوی دیگر، بقیه جهان. هیچ روزنامه نگاری به میل خود نمی پذیرد که با رفتارش بخشی از بشریت را به درجه ای پائین تر سوق می دهد. اما، امری که نتیجه اش همین است را می پذیرد، بسیاری از "این که کشتار هائی که انجام شده، تجاوزها، زنانی که قطعه قطعه شده اند و بعد بمباران های امروز در چهارچوب یک پاسخ است، البته با مرگ و میر هائی که کاملاً غیر قابل پذیرش است" (سونیا مبروک، Europe 1، ۲۶ نومبر ۲۰۲۳). بنابراین، برحسب این که نوشته روزنامه نگار درباره تل- ابیب یا غزه باشد، واژگان یا جمله بندی ها انسانی یا غیر انسانی می شود. فلسطینی ها "می میرند" بدون آن که مشخص شود چه کسانی آنها را کشته اند. اما حماس قربانی هایش را می کشد و "سلاخی" می کند. در همه مواقع بروز هر سوء قصد در "غرب"، مطبوعات چهره هر فرد قربانی را برای برانگیختن احساسات ترسیم می کنند، اما فلسطینی ها غالباً در گزارش ها بدل به سایه هائی ناشناس می

شوند که در ویرانه ها پرسه می زنند (۲). مرگ افرادی مشخص که مانند شخصیت های یک فلم با آنها هم ذات پنداری می شود، در برابر اشیای مرده ای قرار می گیرد که یک چیدمان را می پوشاند بدون آن که نگاه بر روی آنها متوقف شود.

نزدیک به ۴ ماه پس از آغاز جنگ، هیچ رسانه بزرگی در فرانسه یک تحقیق کمی درباره رفتار روزنامه نگاران با آن انجام نداده است. در ایالات متحده، نشریه اینترسپت (The Intercept) (۹ جنوری ۲۰۲۴) به تجزیه و تحلیل گسترده نمونه هایی از مقالات نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس آنجلس تایمز، منتشر شده بین ۷ اکتوبر و ۲۴ نومبر ۲۰۲۳ (۳) پرداخته است. نتایج به دست آمده نمی باید برای خوانندگان فرانسوی غریب باشد: "واژه" "سلاخی" در مورد قربانی های اسرائیلی به کار رفته ولی در مورد فلسطینی ها اصلاً به کار برده نشده و واژه "کشتار" ۱۲۵ بار در مورد اسرائیلی ها و تنها ۲ بار درباره فلسطینی ها به کار برده شده است. واژه "وحشت انگیز" ۳۶ بار درباره اسرائیلی ها و ۴ بار در مورد فلسطینی ها به کار رفته است. نویسندگان این تجزیه و تحلیل تأکید می کنند که "بی توجهی رسانه ئی به شمار بی سابقه کودکان و روزنامه نگاران کشته شده، در حالی است که این دو گروه معمولاً مورد توجه و علاقه رسانه های غربی هستند". سرانجام، در حالی که قتل غیر نظامی ها توسط حماس به عنوان نتیجه یک ستراتیژی عمدی معرفی می شود، روزنامه نگاران کشتار مردم غزه را "چنان که گوئی ناشی از توالی اشتباهاتی که هزاران بار تکرار شده است" معرفی می کنند.

کاربرد واژه هایی با بار معنایی عاطفی برای یک طرف، و بی تفاوتی نسبت به طرف دیگر، در تحقیق انجام شده بر یک رسانه غربی دیگر یعنی "مؤسسه بریتانیایی نشر و پخش" (BBC) هم تأیید شده است (۴). پژوهشگران ۹۰ درصد از تولید آنلاین بی بی سی بین ۷ اکتوبر و ۲ دسمبر ۲۰۲۳ را از غربال گذرانده اند. علاوه بر مشترک بودن تقریباً نظام مند کلمات "کشتار"، "قتل" و "سلاخی" در مورد قربانیان اسرائیلی، فلسطینی ها فقط "کشته شده" یا "مرده اند". پژوهش چنین نتیجه گیری می کند که واژه هایی که روابط خانوادگی مانند "مادر"، "مادر بزرگ"، "دختر"، "پسر"، "همسر" و غیره را بیان می کنند، در مورد اسرائیلی ها خیلی بیشتر از فلسطینی ها به کار برده شده است.

۱۰۰ روز پس از حمله حماس به اسرائیل، که نتیجه آن طبق گفته ۱۵ دسمبر تل- اییب ۱۱۳۹ کشته، از جمله ۷۶۶ غیر نظامی و گروگان گرفته شدن ۱۳۲ تن بوده که همچنان در غزه به سر می برند [تعداد کل گروگان ها ۲۴۰ تن بود که بیش از ۱۰۰ تن از آنها در جریان آتش بس ۱۰ روزه آزاد شدند. م.]. نظامیان اسرائیلی که توسط ایالات متحده تجهیز و حمایت مالی می شوند، ۲۳ هزار فلسطینی را کشته اند و ۸ هزار تن نیز ناپدید شده اند. بیمارستان ها، مدارس، کلیساها، مراکز فرهنگی، بایگانی ها، جاده ها، زیرساخت های سوخت و نیرو خسارت دیده، ۶۰ درصد ساختمان ها تخریب شده و ۸۵ درصد از مردم از خانه های خود رانده شده اند. این ویران کردن نظام مند باعث کمبود آب و دارو و نیز بروز قحطی در سطحی چنان وسیع شده که ۴۰ درصد از بازماندگان را تهدید می کند. به گفته رابرت پاپ، تاریخ دان امریکائی این "یکی از گسترده ترین کارزارهای تنبیهی علیه غیرنظامیان در طول تاریخ" است که گستره ویرانگری آن از حلب در سوریه، ماریوپول در اوکراین و حتی شهرهای آلمانی بمباران شده توسط متفقین در پایان جنگ جهانی دوم نیز فراتر رفته است (۵). این در حالی است که موضوع برسر یک لغزش یا ناشی از خطا نیست و این عملیات به دنبال اظهاراتی رسمی انجام گرفته که دارای لحنی نشان دهنده قصد نسل کشی بوده است. برای شروع می توان از گفته های اسحاق هرتز وگ، رئیس جمهوری سوئیالست یاد کرد: ("همه افراد یک ملت مسؤل هستند") و بعد به نقل گفته یوآف گالانت، وزیر دفاع اشاره کرد که می گوید: ("غزه دیگر آنچه که بوده نخواهد شد. ما همه را از بین می بریم").

## اعتراض "بریس" به فرانس انتر

تجزیه و تحلیل سلاخی اسرائیلی، طبق نسخه ای که رهبران تل- اییب برای "حیوان های انسان نما" تجویز کرده اند، نیاز به تحقیقی جامع برای ردیابی ریشه ها یا نشانه شناسی پیشرفته برای درک معنی آن ندارد. پس از انتشار مطالبی که خصلت فلسطینی ها را "تروریسم اسلامی" و سیاست اسرائیل را یک رشته "پاسخ" به این ترورها تعریف می کند، پس از نشان دادن همبستگی غرب که متحدان اسرائیل را انسان دوست و طرف مقابل را وحشی توصیف می نماید، بیشتر روزنامه نگاران فرانسوی ترجیح می دهند که روی خود را از فجایعی که رخ می دهد برگردانند. آنها آگاهانه پرداختن به جنگ در رسانه ها را کاهش می دهند تا ناگزیر از طرح پرسش های ناراحت کننده نشوند(۶).

با این حال، منطق و عدالت حکم می کرد که لشکر تحلیل گران و تصمیم گیرندگانی که در ماه اکتوبر اعلام کرده بودند که "اسرائیل حق دفاع از خود را دارد"، درمورد عواقب این "حق" - از نظر تعداد قربانیانی که ایجاد می کند- مورد پرسش قرار گیرند و ناگزیر از دادن پیشنهاد، اقدامات و مجازات هائی برای توقف کشتار باشند. کسانی که حاضر نشدند از "تروریسم" فلسطینی حرف بزنند قربانی یک سنگسار رسانه ئی شدند. اما ناگهان مشاهده رفتار اسرائیلی ها در جنگ معانی دیگری یافت و واژه های دیگری به صحنه آمد: "اخراج"، "پاکسازی قومی" و حتی "قصد نسل کشی". آیا روزنامه نگاران حالا می خواستند سلاح ها و تحلیل های خود را علیه برخی از مدافعان "حمایت بی قید و شرط" از اسرائیل به کار گیرند؟ آیا می خواستند به انتقاد از رفتار کورکورانه آنها پردازند، چرا که کشتار غیرنظامیان، این بار در غزه، ایجاب می کرد علیه حمایت شدگان خود لحنی تند به کار برند؟ خانم یائل برون- پیوه، رئیس مجلس ملی، آقای ژرارد لارشر، رئیس مجلس سنا، آقای اریک سیوتی، رئیس تشکل جمهوری خواهان(LR)، خانم آن هیدالگو، شهردار پاریس و برخی از کسان دیگر می توانستند - همچنان که چند هفته پیش درمورد رهبران "فرانسه تسلیم ناپذیر" عمل شده بود- مورد پرسش قرار گیرند که: "آیا پاکسازی قومی را تأیید می کنید؟"، "آیا این بیشترین اخراج دست جمعی نیست؟" "چرا نباید شرکت ورزشکاران اسرائیلی - که بیشتر آنها افراد ذخیره ارتش هستند- را در بازی های المپیک ممنوع کرد؟" و "سرانجام، چه زمانی مجازات هائی علیه اسرائیل اعمال خواهید کرد؟". می دانیم - یعنی درواقع پیشتر حدس زده ایم- که چنین پرسش هائی مطرح نخواهد شد. حتی روزنامه ای مانند لو موند، که به خاطر پوشش دادن درست تر جنگ، از اغلب همکارانش متمایز است، هنوز توصیه نمی کند که حکومت متهم به ارتکاب جنایات جنگی در فلسطین، توسط "جامعه بین المللی" مجازات شود.

رئیس جمهوری ماکرون، در هنگام بیان آرزوهای خود به مناسبت سال نو، فقط ۱۵ کلمه را به ۲۲ هزار تن کشته شده در غزه اختصاص داد. در همان روز ۳۱ دسمبر ۲۰۲۳، ژورنال دو دیماننش، به رغم انتشار شماره ای ۴۸ صفحه ای، توانست از نشر هرگونه مقاله ای درمورد کشته شدگان فلسطینی طفره برود. دو هفته بعد، دو رهبر سیاسی بسیار متفاوت یعنی آقایان رافائل گلوکزمین و اریک زمور - یکی توسط فرانس انتر و دیگری - Europe 1 به مدتی طولانی مورد پرسش قرار گرفتند. تنها وجه اشتراک این دو برنامه مدت زمان ۵۰ دقیقه ای آنها بود و هیچ کدام نیز وقتی را به غزه اختصاص ندادند. آقای گلوکزمین البته درمورد بیمارستان هائی که به آنها حمله شده بود، حرف زد اما این بیمارستان ها در منطقه کوربی اسون فرانسه قرار داشت و قربانی هکهای روسی شده بود.

چند روز پیش از آن، در ۲۱ دسمبر، آقای فرانسوا اولاند - بار دیگر- میهمان فرانس انتر بود. پس از ۱۶ دقیقه مصاحبه، درباره جنگ غزه حرفی مطرح نشده بود. یکی از شنوندگان به نام "بریس" آهنگ کند صحبتها را به هم زد: "پس از کشته شدن چند ده هزار کشته در فلسطین، سرانجام تصمیم گرفته می شود که از مهمانان برنامه خود بپرسید آیا صریح و بدون ابهام وحشیگری های ارتش اسرائیل را محکوم می کنند؟ در ابتداء، شما چند روزی به شکل متمایز

شمار کشته شده های هر طرف را اعلام می کردید و بعد، من به خوبی به یاد دارم که نیکولاس دموران [مجری برنامه صبحگاهی فرانس انتر] زمانی که تعداد کشته شده های فلسطینی به ۱۲۰۰ نفر – برابر با کشته شده های اسرائیل – رسید این کار را متوقف کرد. اکنون [تعداد کشته شده های فلسطینی] ۲۰ برابر بیشتر است. بنابراین، شاید زمان آن رسیده باشد که هرکس از خود بپرسد آیا نباید صریح و بدون ابهام این کشتارها را محکوم کرد؟". تلاش این شنونده، زحمتی بیهوده بود. فردای آن روز، فرانسوا روفن، نماینده "فرانسه تسلیم ناپذیر" به فرانس انتر دعوت شده بود. مجریان برنامه هیچ پرسشی درباره غزه از او نکردند.

از ۸ تا ۲۱ اکتوبر، در ۱۵ روز پس از حمله حماس، همه میهمانان برنامه صبحگاهی فرانس انتر، به جز دو تن، یا در مورد این حمله مورد پرسش قرر گرفتند و یا خود از آن ابراز انزجار کردند. ونسان لیندون، بازیگر در ۱۳ اکتوبر توضیح داد: "امروز اگر بخواهیم احساس درونی خود را ابراز کنیم، [ناگزیر از محکوم کردن این حمله هستیم]". دو ماه بعد، این "الزام اخلاقی" ناپدید شده است. از ۸ تا ۲۱ دسمبر، درحالی که بحثی بین المللی در مورد خطرات نسل کشی در غزه- از جمله در میان نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد- داغ شده، تنها از دو تن از میهمانان برنامه صبحگاهی فرانس انتر در این باره پرسش می شود و صحبت های "بریس" این تعداد را به ۳ تن رساند...

تا هر حد که بخواهیم می توان اسنادی درباره جهت گیری روزنامه نگاران به نفع اسرائیل ارائه کرد. پوشش دادن مستقیم فرانس انفو در جمعه ۱۲ جنوری ۲۰۲۴ در دفاع از تل- ایبب در برابر اتهامات انجام نسل کشی از این جمله است. این درحالی بود که روز پیش از آن افریقای جنوبی در برابر دیوان بین المللی دادگستری در لاهه اقامه دعوی کرده و چنین پوششی به آن داده نشده بود. با این حال، تنها انتقاد از "یک بام و دو هوائی" (ستندردهای دو گانه) که نشان دهنده عدم تعادل است، کافی نیست زیرا این رفتار خاص با جنگ اسرائیل- فلسطین، بخشی از یک تغییر بزرگ تر است.

در مدت ۴ ماه، رهبران فرانسه، کشوری که "چهارمین قدرت دنیا است"، نه تنها توانسته اند فرهنگی را رواج دهند که مانند دوران امپراتوری استعماری، غرب را مرکز و اوج بشریت می داند، بلکه اکثریت بزرگی از آنها، به دیدگاه راست افراطی اسرائیل پیوسته اند و با به حاشیه راندن مخالفان جنگ در فرانسه، بیان همبستگی با فلسطین را ممنوع کرده اند که تا دیروز هنوز آزاد بود. به این ترتیب، آنها به غسل تعمید راست افراطی در معبد جمهوری شتاب بخشیده و در عین حال از تجدید سلاح نظامی و اخلاقی فرانسه به نام مبارزه علیه تروریسم اسلامی حمایت می کنند. جنگی که ۱۵ سال است توسط دولت ها علیه جنبش های "عوام گرا" (پوپولیست) و نظام های "غیرلیبرال" جریان دارد، در اینجا نیروی امدادی غیرمنتظره ای یافته است: تولد و استقرار یک روزنامه نگاری اقتدارگرا در فرانسه.

\*\*\*\*\*

۱- Nombre d'articles et de séquences audiovisuelles répertoriés dans la presse française sur l'agrégateur Europresse.

۲- Cf. Pauline Perrenot, " À la Une du Parisien, la caricature du double standard ", Acrimed, 21 décembre 2023.

۳- Cf. également les recherches de Holly Jackson sur un autre échantillon de presse américaine à l'adresse : [https://github.com/hollyjackson/casualty\\_mentions\\_nyt](https://github.com/hollyjackson/casualty_mentions_nyt)



۴- L'étude est résumée par Xander Elliards, " Study shows BBC "bias" in reporting on Palestinian and Israeli deaths ", The National, Glasgow, 9 janvier 2024. Les données sont disponibles à l'adresse : <https://github.com/liet-git/bbc-bias#word-bank-analysis>

۵- Julia Frankel, " Israel's military campaign in Gaza seen as among the most destructive in recent history, experts say ", Associated Press, 11 janvier 2024.

۶-مقاله "غزه، همراهان رسانه ای یک نسل کشی"، اوریان ۲۱، ۱۵ زانویه

<https://orientxxi.info/magazine/article6998> ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

\*Pierre RIMBERT - پئیر ریمبر ، جامعه شناس و مؤلف کتاب "لیبراسیون" ، از سارتر تا روتچیلد

\*Serge HALIMI - دبیر هیأت تحریریه لوموند دیپلوما تیک

منبع: لوموند دیپلماتیک این مقاله را با عنوان "روزنامه نگاری فرانسه، خطری برای جامعه" منتشر کرده است.